



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/ravanshenasi.2024.2021535

 20.1001.1.20081782.1403.17.3.2.4

Normativeization of the Religious Documents Questionnaire in Iranian-Islamic Culture

Ali Bayat / PhD student in Psychology, Hawza and University Research Institute abayat@rihu.ac.ir

Ahad Omid / PhD in Psychology, IKI omidi.ahad@gmail.com

 Mostafa Jahangiri  / PhD student in psychology, IKI mostafajahangiry1372@gmail.com

Mojtaba Hafezi / PhD student in Psychology, Hawza and University Research Institute mhafezi@rihu.ac.ir

Received: 2024/05/01 - Accepted: 2024/06/13

Abstract

The aim of this study was to standardize the Religiosity Questionnaire by Anand et al. in accordance with Iranian-Islamic culture. The research method was descriptive and survey-type. The statistical population included patients with COVID-19 in the two provinces of Qom and Tehran in 1400. 548 people responded to the questionnaires on religious attributions and attribution styles through the research link on social networks. SPSS26 and AMOS24 software were used to examine the psychometric properties of the data. The validity of the questionnaire was assessed using three methods: content, criterion, and construct validity, and through confirmatory and exploratory factor analysis. The findings identified three factors: "positive religious documents," "God's call to account," and "divine punishment." The two factors, God's call to account and divine punishment, together formed the "negative religious documents" factor. Validity and internal consistency were calculated using the split-half method, Spearman-Brown coefficient, and Cronbach's alpha. The results showed that the Persian version of the Religious Attributions Questionnaire has high validity and reliability and is a meaningful and appropriate tool for measuring religious attributions in Iranian-Islamic culture.

Keywords: questionnaire, attributions, religious attributions, normative finding, Iranian-Islamic culture.

هنجاریابی پرسش‌نامه اسناد دینی در فرهنگ ایرانی - اسلامی

abayat@rihu.ac.ir

omidi.ahad@gmail.com

mostafajahangiry1372@gmail.com

mhafezi@rihu.ac.ir

علی بیات/ دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

احد امیدی/ دکترای روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

مصطفی جهانگیری  / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

مجتبی حافظی/ دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

چکیده

هدف این پژوهش هنجاریابی پرسش‌نامه اسناد دینی گری و همکاران مطابق با فرهنگ ایرانی - اسلامی بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری شامل بیماران مبتلا به کووید - ۱۹ در دو استان قم و تهران در سال ۱۴۰۰ بود. ۵۴۸ نفر از طریق لینک پژوهش در شبکه‌های اجتماعی به پرسش‌نامه‌های اسناد دینی گری و سبک‌های اسناد پاسخ دادند. برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی داده‌ها از نرم‌افزارهای amos24 و spss26 استفاده شد. روایی پرسش‌نامه با سه روش روایی محتوایی، ملاک و سازه و از طریق تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی ارزیابی شد. یافته‌ها سه عامل «اسناد دینی مثبت»، «بازخواست خداوند» و «مجازات الهی» را شناسایی کرد؛ دو عامل بازخواست خداوند و مجازات الهی با هم عامل «اسناد دینی منفی» را تشکیل دادند. اعتبار و همسانی درونی با روش دو نیمه کردن، ضریب اسپیرمن - براون و آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان داد نسخه فارسی پرسش‌نامه اسناد دینی گری دارای روایی و اعتبار بالایی است و برای سنجش اسناد دینی در فرهنگ ایرانی - اسلامی ابزار معنادار و مناسبی است.

کلیدواژه‌ها: پرسش‌نامه، اسناد، اسناد دینی، هنجاریابی، فرهنگ ایرانی - اسلامی.

اغلب مردم در اکثر موقعیت‌ها اعم از خوشایند و ناخوشایند پیش از هر چیز نقش‌ها و تأثیرات را به عوامل گوناگون طبیعت‌گرایانه از جمله خود، دیگران، رویدادهای طبیعی، و تصادف (لویفر، بروک و دپائولا، ۱۹۹۲) و در صورتی که تبیین‌های طبیعت‌گرایانه نیاز به معنی، تسلط و احترام را به نحو رضایت‌بخشی برآورده نکنند، آدمی مسئولیت این رنج‌ها را به خدا اسناد می‌دهد (اسپیلکا، شیور و کرکپاتریک، ۱۹۸۵).

نظریه‌ اسناد بیان می‌کند مردم چگونه اتفاقی که برای آنها و جهان اطرافشان افتاده را تبیین می‌کنند (هود، هیل و اسپیلکا، ۲۰۰۹). به اعتقاد اسپیلکا و اسمیت (۱۹۸۳) نظریه‌ اسناد فرض می‌کند انسان تمایل اساسی به معنادار کردن وقایع زندگی دارد. بنابراین می‌توان اظهار داشت که اسناد، تبیینی علی برای ایجاد معنا از وقایع و تجربیات زندگی، احساس تسلط و کنترل بر رویدادها و افزایش عزت‌نفس است (اسپیلکا و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۲۳-۵۶).

ورود مفهوم اسناد به روان‌شناسی دین، بعد از مطرح شدن آن در روان‌شناسی اجتماعی در نیمه‌ دهه ۱۹۸۰ بود (اسپیلکا، شیور و کرکپاتریک، ۱۹۸۵). اهمیت و ضرورت نظریه‌ اسناد در روان‌شناسی دین توسط پژوهشگران مختلفی در طول چند دهه مورد بررسی قرار گرفته است. گرساچ (۱۹۸۸، ص ۲۱۷) پژوهش در موضوع اسناد را مسیر اصلی در روان‌شناسی دین می‌داند. به باور هود، هیل و اسپیلکا (۲۰۰۹، ص ۴۶) در مطالعه‌ تجربه‌ دینی نظریه‌ اسناد دارای چارچوب مفیدی است. بر این اساس، برای برخی دین‌داران، اسناد یک رویداد ناخوشایند و رنج به خداوند می‌تواند تأثیر تسلی‌بخش داشته باشد؛ چراکه این رنج را بخشی از تدبیر حکیمانه خداوند می‌دانند، اما برخی از افراد در دوره‌هایی از زندگی ممکن است احساس کنند خداوند عمداً به آنها آسیب رسانده، به درخواست آنها توجه نکرده یا به‌طور منفعلانه به رنج‌های ناعادلانه آنها اجازه تحقق داده است. در چنین مواردی، ممکن است خشم و بی‌اعتمادی نسبت به خداوند را تجربه کرده و دچار کشمکش الهی شوند (اکسلاین و رز، ۲۰۰۵، ص ۳۱۷). به‌عبارت دیگر، انسان‌ها هنگام مواجهه با رنج و سختی می‌توانند دو تصویر نسبت به نقش خداوند در این رنج‌ها داشته باشند: انگاره خیرخواهانه از نقش خداوند در رنج‌ها و انگاره بدخواهانه از نقش خداوند در رنج‌ها. افراد در صورتی که نقش خداوند را خیرخواهانه ببینند، رنج‌ها و بلاهایی را که تجربه می‌کنند «مشیت الهی»، «مسئولیت الهی»، و یا «خودسازی» تلقی می‌کنند، اما اگر نقش خداوند را بدخواهانه تفسیر نمایند، ممکن است رنج و مصیبت‌ها را «عذاب و عقوبت الهی»، «بی‌اعتنایی خداوند»، و یا «ضعف الهی» تلقی کنند (تیبیک، ۱۳۹۸، ص ۹۷).

اسناد دینی نه‌تنها برای دین‌داری فردی، بلکه برای حالات روانی فردی نیز مهم تلقی می‌شود. طی سال‌ها، تحقیقات در مورد اسناد دینی، حاکی از ارتباط اسنادهای دینی مثبت (برای نمونه پروردگار مهربان و حمایتگر، خداوند دارای هدف و اختیار، اسناد مریضی به اراده و محبت خداوند) و افزایش سلامت روانی، مقابله‌ دینی مثبت، رشد شخصی و بهزیستی عمومی (پارک و کوهن، ۱۹۹۳؛ شورتز و ورثینگتون، ۱۹۹۴؛ اسمیت و دیگران، ۲۰۰۰)؛ راهبردهای مقابله‌ای دینی مثبت (پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۰)؛ معنا در زندگی (استروپ، دراپر و وایت‌هد، ۲۰۱۳)؛

بهزیستی عاطفی، ارزیابی مثبت از وضعیت بیماری، احساس کارآمدی، تسلط بر وضعیت خویش، اشکال مثبت مقابله و مقابله اجتنابی کمتر (گال و بیلودو، ۲۰۱۷، ص ۷۲۰-۷۲۴)؛ پیشرفت کندتر بیماری (ایرونسون و دیگران، ۲۰۱۱) و رضایت از زندگی (هومیمر، ۱۹۹۸) است. در مقابل، اسنادهای دینی منفی (خدای مغضوب) با مقابله دینی منفی‌تر (شورتز و ورثینگتون، ۱۹۹۴؛ اسمیت و دیگران، ۲۰۰۰)؛ تجربه درماندگی عاطفی، میزان پایین بهزیستی، کنترل‌پذیری کمتر و استفاده از مقابله اجتنابی (گال و بیلودو، ۲۰۱۷، ص ۷۲۰-۷۲۴)؛ سازگاری پایین و کشمکش‌های معنوی (پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۴؛ اِکسلاین و دیگران، ۲۰۱۱) رابطه دارد.

همان‌طور که تحقیقات پیشین حوزه اسناد دینی نشان می‌دهد یک طبقه از این تحقیقات به متغیرهای همبسته با اسناد، عوامل زمینه‌ساز، علی و پیش‌بینی‌کننده آن می‌پردازد. از سوی دیگر، بررسی ادبیات اسناد دینی، نیز حاکی از آن است که درباره اصطلاح «اسناد دینی»، ابعاد و مؤلفه‌های آن اتفاق نظر وجود ندارد. به اعتقاد گری و دیگران (۲۰۱۶، ص ۸۲۰) برخی پژوهشگران در مطالعه خود، اسناد دینی را به صورت عملیاتی تعریف کرده‌اند (بیلی و هیز، ۱۹۹۸؛ هومیمر، ۱۹۹۸؛ کاراکایا، ۲۰۰۸؛ نایت، سوزا، بارت و آتران، ۲۰۰۴؛ اشنایدر و اسمیت، ۲۰۱۱؛ اسپیلکا و اسمیت، ۱۹۸۳)، درحالی‌که بسیاری دیگر اسناد دینی را به صورت عملیاتی تعریف نمی‌کنند (لورین و دیگران، ۲۰۱۵؛ پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۰؛ شیمن، ۲۰۱۰). بر این اساس، نخستین پژوهش پیرامون اسناد دینی، توسط اسپیلکا و اسمیت (۱۹۸۳) آغاز شد که به بررسی چگونگی تأثیر ویژگی‌های یک رویداد در اسناد دادن آن به خداوند پرداختند. این پژوهش نشان داد برخی متغیرهای موقعیتی (شامل اینکه رویداد برای خودش رخ داده یا برای دیگران، آن رویداد چقدر مهم است؛ مثبت است یا منفی؛ در حوزه اقتصادی، اجتماعی است یا پزشکی) اسناد یک رویداد به خداوند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین واتسون، موریس و هود (۱۹۹۰) به بررسی اسناد جهت‌گیری مذهبی باطنی و ظاهری؛ گرساچ و اسمیت (۱۹۸۳) به بررسی بنیان‌های اسناد به خدا؛ لوففر، بروک و دپائولا (۱۹۹۲) به بررسی تعدادی از خصوصیات موقعیتی و شخصی تأثیرگذار بر اسنادهای دینی و عرفی و بولمن و ورتمن (۱۹۷۷) به بررسی تأثیر دین و پنداشت از خداوند در سبک‌های اسناد دینی مثبت یا منفی پرداختند. بیلی و هیز (۱۹۹۸) در انتقاد به اینکه در پژوهش‌های انجام شده، اسناد علی با اسناد مسئولیت خلط شده است، اسناد دینی را به دو بعد: علت مسئله و راه‌حل تقسیم کرده و تعریف عملیاتی پیچیده‌ای از آن ارائه دادند. علاوه بر این، هومیمر (۱۹۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که افراد هنگام توضیح موفقیت خود، پاسخگویی و یاری نمودن خداوند به درخواست آنها، تبیین‌کننده ابعاد قابل‌توجهی از اسناد دینی است. از نگاه لوپر و دیگران (۱۹۹۴) نیز اسناد دارای دو بخش عمده نظام اسنادی دینی و غیردینی است. اشنایدر و اسمیت (۲۰۱۱) مفهوم اسناد دینی را تقویت کردند. پژوهش آنها پیرامون یک تحقیق بین‌فرهنگی پیرامون اسناد دینی بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد در برخی کشورها مانند آمریکا، کانادا و ایرلند صفاتی چون «خیرخواهی» و «فعال» اسناد به خداوند داده می‌شود. در این کشورها خداوند به عنوان روح‌القدس

و پدر تلقی می‌شود. این در حالی است که در برخی دیگر از کشورها مانند آلمان، ژاپن و چین افراد خداوند را به‌عنوان مشاور و راهنما و یا قاضی و داور می‌شناسند. طبق این پژوهش هرچند ممکن است افراد آلمانی، ژاپنی و چینی خداوند را بپذیرند؛ اما نقشی برای او در زندگی انسان قائل نیستند. تا جایی که محقق جست‌وجو کرده است، تنها سه پژوهش پیرامون مفهوم و مؤلفه‌های اسناد دینی در فرهنگ‌های غیر غربی انجام شده است. در فرهنگ‌های غیر غربی، برای نخستین بار، کاراکایا (۲۰۰۸) اسنادهای دینی را در نمونه‌ای از دانشجویان مسلمان دانشگاه مالزی پژوهش کرد. از نگاه او اسناد دینی دارای دو بعد مجازات الهی و اراده خداوند می‌باشد. همچنین گری و دیگران (۲۰۱۶، ص ۶) در پژوهش خود سه بعد مجازات الهی، اسناد دینی مثبت و بازخواست از خداوند را در نوجوانان اندونزیایی آسیب‌دیده از نظر اقتصادی نتیجه گرفت. در پژوهش‌های داخل ایران، عبدلی و احمدی (۱۳۹۵) تأثیر سبک‌های اسنادی در رفتار از نگاه قرآن کریم و انواع این سبک‌ها را مورد بررسی قرار دادند. آنها توانستند سه سبک درونی - بیرونی؛ خود - خدا و خود - دیگران را استخراج کنند که هر یک دارای پیامدهای مختلفی در عواطف و رفتار افراد می‌باشد. علاوه بر این، مصاحبه بیات و دیگران (۱۴۰۰) با بیماران مبتلا به کووید - ۱۹ به شناسایی چندین سبک اسناد دینی در دو سطح «بتلا» شامل اسناد خداپاورانه مثبت، منفی و بی‌طرف و سطح «بهبودی» شامل اسناد خداپاورانه و غیرخداپاورانه بود. مرور ادبیات و تحقیقات انجام‌شده از یک‌سو حاکی از نقش تعیین‌کننده اسناد دینی در رابطه و پیش‌بینی متغیرهای بسیاری است؛ از سوی دیگر عدم تعریف عملیاتی اسناد دینی در برخی تحقیقات منجر به فقدان مقیاسی برای سنجش این مفهوم دینی شده است. تا جایی که محقق جست‌وجو کرده است تنها بیلی و هیز (۱۹۹۸) در فرهنگ غربی اسناد دینی را در ضمن هفده سؤال با دو بعد «علت مسئله» و «راه‌حل» ارزیابی می‌کنند. همچنین گری و دیگران در سال ۲۰۱۶ با مصاحبه در میان جوانان اندونزیایی مسلمان آسیب‌دیده از لحاظ وضعیت اقتصادی یک پرسش‌نامه اسناد دینی (Religious Attribution Scale) طراحی کردند. این پرسش‌نامه شامل دو بعد اسناد دینی مثبت و منفی است. بعد مثبت آن شامل سه مؤلفه کنترل مثبت خداوند (God positive control)؛ پاسخگویی (God's answer) و دیدگاه مثبت به خداوند (positive view on God) و بعد منفی شامل دو مؤلفه بازخواست خداوند (Questioning God) و مجازات الهی (God punishment) است (گری و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۶). همچنین این مقیاس، توسط گری و دیگران (۲۰۱۸) در میان دانشجویان ایالات متحده آمریکا اعتباریابی شد. بنابراین به‌منظور درک کامل از چگونگی اسناد دینی لازم است تحقیقاتی در کشورهای شرقی و با فرهنگ مسلمان به منظور تهیه ابزار برای سنجش این مفهوم انجام شود. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اسناد دینی گری و دیگران (۲۰۱۶) است. به‌عبارت دیگر، در این تحقیق به دو پرسش پاسخ خواهیم داد: نخست اینکه مقیاس اسناد دینی گری و دیگران (۲۰۱۶) از چه عواملی در فرهنگ ایرانی - اسلامی تشکیل شده است؟ ثانیاً آیا این مقیاس از روایی و اعتبار کافی برخوردار است؟

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی و از نوع پیمایشی (Survey research method) بود. جامعه آماری این تحقیق بیماران مبتلا به کووید - ۱۹ سال ۱۴۰۰ در دو استان قم و تهران بودند. نمونه‌گیری به صورت اینترنتی و در دسترس انجام شد. برای تعیین حجم نمونه، جهت تحلیل عاملی حداقل نمونه ۲۰۰ و حداکثر ۳۰۰ و بیشتر توصیه شده است (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۹۷)، جهت اطمینان خاطر از تحلیل عاملی، روایی و اعتبار مقیاس اسناد دینی، تعداد ۵۴۸ نفر به عنوان حجم نمونه پژوهشی انتخاب گردید. از میان ۵۴۸ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، ۳۵۸ زن (۰/۶۵)، ۱۹۰ مرد (۰/۳۵)، ۴۴۰ نفر متأهل (۰/۸۰) و تعداد ۱۰۸ نفر مجرد (۰/۲۰) بودند. دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۱۶ تا ۶۵ سال با میانگین ۳۶/۵ و انحراف معیار ۱۰/۲۶ بود.

ابزارها**پرسش‌نامه اسناد دینی (RAS)**

این مقیاس توسط گری و دیگران در سال ۲۰۱۶ در میان جوانان اندونزیایی طراحی شد. مقیاس اسناد دینی دارای ۱۴ گویه و شامل دو بعد اسناد دینی مثبت (۸ سؤال) و منفی (۶ سؤال) است. این مقیاس ابتدا در بعد مثبت شامل سه مؤلفه کنترل مثبت خداوند، پاسخگویی و دیدگاه مثبت به خداوند و در بعد منفی شامل دو مؤلفه بازخواست خداوند و مجازات الهی بود. تحلیل عامل تأییدی (Confirmatory factor analyses) نشان داد هشت گویه اسناد دینی مثبت که شامل سه مؤلفه کنترل، پاسخگویی و دیدگاه مثبت به خداوند بود، در یک عامل مرتبه دوم مشترک تحت عنوان «اسناد دینی مثبت» خلاصه می‌شوند. درحالی‌که تحلیل عاملی تأییدی در بعد اسناد دینی منفی دو مؤلفه مجازات الهی و بازخواست خداوند را تأیید کرد (گری و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۵). این مقیاس از آزمودنی می‌خواهد با استفاده از مقیاس شش نمره‌ای از یک (هرگز)، تا شش (همیشه) نشان دهد رویدادهای و تجربیات زندگی خود را از نظر مذهبی چگونه درک می‌کند. سؤالات ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ «اسناد دینی مثبت»؛ گویه‌های ۲، ۴ و ۶ مؤلفه «بازخواست خداوند» و گویه‌های ۸، ۱۲ و ۱۴ مؤلفه «مجازات الهی» از بعد اسناد دینی منفی را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ انجام شد. بر این اساس، آلفای کرونباخ در بعد اسناد دینی برابر با ۰/۸۴ بود. درحالی‌که برای خرده مقیاس‌های آن شامل کنترل خداوند ۰/۷۲؛ پاسخگویی خداوند ۰/۷۹ و دیدگاه مثبت به خداوند ۰/۸۱ بود. همچنین آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های بازخواست خداوند ۰/۷۱ و مجازات الهی ۰/۷۰ بود (گری و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۶). علاوه بر این، مقیاس اسناد دینی (RAS) با هدف نشان دادن روایی، با نمونه‌ای از افراد ایالات متحده انجام شد. سازگاری درونی با استفاده از آلفا کرونباخ برای اسناد دینی مثبت ۰/۹۳؛ برای بازخواست خداوند ۰/۷۱ و برای مجازات الهی ۰/۸۲ به دست آمد (گری و دیگران، ۲۰۱۸، ص ۲).

پرسش‌نامه سبک‌های اسناد بیماران مبتلا به کووید - ۱۹

برای انجام این پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۵۱ گویه بوده و با استفاده از پژوهش بیات و دیگران (۱۴۰۰) که با هدف شناسایی سبک‌های اسنادی بیماران مبتلا به کووید - ۱۹ انجام شد،

طراحی و اعتباریابی گردیده است. پرسش‌نامه دو سطح «ابتلا» و «بهبودی» را می‌سنجد. در بررسی اولیه سطح ابتلا دارای ۱۱ گویه؛ دیگران (۴ گویه)؛ طبیعت‌گرا (۶ گویه)؛ اجتماعی (۲ گویه)؛ سلطه‌گرا (۲ گویه)؛ اسناد مثبت خداپاورانه (۱۱ گویه)؛ منفی خداپاورانه (۵ گویه)؛ خداپاورانه بی‌طرف (۳ گویه) و اسناد خرافی (۲ گویه) و سطح بهبودی دارای دو سبک اسناد خداپاورانه (۶ گویه) و غیرخداپاورانه (۶ گویه) بود. هر سؤال به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً موافقم «۴» تا کاملاً مخالفم «۱» نمره‌گذاری می‌شود.

شیوه اجرا

در ابتدا پرسش‌نامه اسناد دینی گری و همکاران (RAS)، توسط متخصص و مترجم زبان به فارسی برگردانده شد. گویه‌ها و عامل‌های ترجمه‌شده بر اساس شاخص‌های (CVI) و (CVR)، توسط کارشناسان متخصص علم روان‌شناسی و علوم دینی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. پس از تأیید گویه‌ها، با دسترسی به افراد نمونه و ارائه توضیحاتی در مورد اهداف پژوهش و کسب موافقت آنان پرسش‌نامه بر روی ۵۴۸ نفر اجرا گردید و برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی، داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۶ و amos نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای ارزیابی فرایند روایی با سه روش روایی محتوایی (Content validity)، روایی ملاکی (Criterion-related validity) یا وابسته به ملاک به شیوه هم‌گرا (Convergent validity) و روایی سازه (Construct validity) به شیوه روش‌های همسانی درونی و روش تحلیل عاملی به شیوه تأییدی (Confirmatory Factor Analysis) مرتبه اول و دوم و تحلیل عاملی اکتشافی (Exploratory factor analysis) به روش مؤلفه‌های اصلی (Principal component analysis) و چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر (Varimax with kaiser normalization) بهره برده شد. برای اعتبار پرسش‌نامه و همسانی درونی (Internal consistency) از روش دو نیمه کردن آزمون (Split-half method)، ضریب اسپیرمن-براون (Spearman-brown) و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن (Gutman split half coefficient) و تعیین ضریب آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha) بهره برده شد.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا برای بررسی میزان مطابقت و ضرورت گویه‌ها با عامل‌ها و سنجش روایی محتوایی، پرسش‌نامه ترجمه‌شده مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفت. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۸۴ و حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVR برابر با ۰/۸۹ بود که نشانگر مطابقت و ضرورت گویه‌ها با عوامل است.

تحلیل عاملی مرتبه اول اسناد دینی مثبت

برای بررسی روایی سازه عامل اسناد دینی مثبت، از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول (First order confirmatory factor analysis) استفاده شد. مدل نظری عامل اسناد دینی مثبت همراه با متغیر پنهان و مشاهده‌پذیر با هشت گویه ترسیم شد و مدل رسم‌شده مورد سنجش قرار گرفت. برای بررسی برازش مدل از

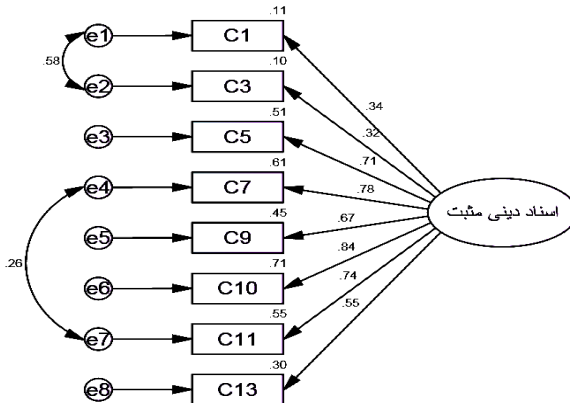
شاخص‌های آماری رایج و معروف برازش مطلق آماره مجذور خی (Chi-square)، شاخص برازش مقتصد ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (Root Mean Square Error of Approximation)، شاخص برازندگی تطبیقی (Comparative Fit Index)، شاخص برازش هنجار شده (Normalized Fit Index)، شاخص برازش نسبی (Relative Fit Index)، شاخص برازش مقتصد هنجار شده (Parsimony Normed Fit Index) مورد ارزیابی قرار گرفت. در جدول (۱)، مقدار شاخص‌های برازش مدل گزارش شده است.

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل عامل اسناد دینی مثبت

شاخص‌ها	Df	Chi یا CMIN	CMIN/DF	RMSEA	CFI	NFI	RFI
مدل	۸	۲۰/۳۰۶	۲/۵۲۸	۰/۰۵۳	۰/۹۹۳	۰/۹۸۹	۰/۹۶۳

همان‌طور که از جدول (۱) مشخص است شاخص‌های برازش مطلق، برازش نسبی و برازش مقتصد از برازش مطلوبی برخوردار هستند. مقدار شاخص برازش مطلق کای اسکوئر برابر با (۲۰/۳۰۶)، می‌باشد. ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر (۰/۵۰۳) و کوچکتر از (۰/۰۸) است. شاخص‌های شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، شاخص برازش نسبی (RFI)، بالاتر از (۰/۰۹) است. لذا تمام شاخص‌ها حاکی از آن است که مدل برازش خوبی برخوردار بوده و مدل تدوین شده توسط داده‌های گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفته است. مدل اسناد دینی مثبت همراه با گویه‌ها و ضرایب استاندارد در شکل (۱) آورده شده است.

شکل ۱: عامل اسناد دینی مثبت همراه با متغیرهای آشکار



در الگوی (۱) عامل اسناد دینی مثبت همراه با وزن‌های رگرسیون استاندارد شده (بارهای عاملی) و متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار و مجذور ضرایب همبستگی چندگانه (R^2) نشان داده شده است. بار عاملی‌های هر هشت متغیر آشکار معنادار به دست آمده است و با توجه به مطلوب بودن شاخص‌های برازش مدل، روایی عامل اسناد دینی مثبت مورد تأیید قرار گرفته است.

تحلیل عاملی مرتبهٔ اول اسناد دینی منفی

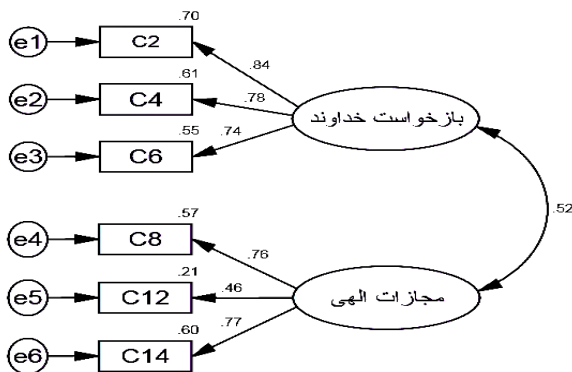
در ادامه بررسی روایی سازه با روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ اول، رابطهٔ عامل (متغیرهای پنهان) با گویه‌ها (متغیرهای مشاهده‌پذیر) مورد سنجش قرار گرفت. مدل نظری عامل اسناد دینی منفی که شامل بازخواست خداوند و مجازات الهی بود طراحی شد و شاخص‌های برازش مدل جدول (۲) مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل عامل اسناد دینی منفی

شاخص‌ها	Df	CMIN	CMIN/DF	RMSEA	CFI	NFI	RFI	PNFI
مدل	۸	۱۲/۱۹۰	۱/۵۲۴	۰/۳۱	۰/۹۹۶	۰/۹۸۸	۰/۹۷۸	۰/۵۲۷

همان‌طور که از جدول (۲) قابل مشاهده است شاخص‌های لازم و گزارش شده از برازش مناسبی برخوردار است. مقدار شاخص برازش مطلق کای اسکور برابر با (۱۲/۱۹۰)، ریشهٔ دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر (۰/۳۰۱) است، شاخص‌های دیگر برازش مطلق، برازش نسبی و برازش مقتصد از برازش مطلوبی برخوردار هستند. در شکل (۲) عامل اسناد دینی منفی با عامل بازخواست خداوند و مجازات الهی همراه با گویه‌ها و ضرایب استاندارد آن آورده شده است.

شکل ۲: عامل اسناد دینی منفی شامل بازخواست خداوند و مجازات الهی



در شکل (۲) عامل اسناد دینی منفی همراه با بارهای عاملی و متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده‌شده و مجذور ضرایب همبستگی چندگانه نشان داده شده است. بار عاملی‌های هر شش گویهٔ معنادار به‌دست آمده است. بالاترین بار عاملی برای گویهٔ دو با (۰/۸۴) و کمترین بار عاملی برای گویهٔ دوازده (۰/۴۶) است و مابقی گویه‌ها بار عاملی بیشتر از (۰/۷۰) را دارند. بنابراین با توجه به مطلوب بودن شاخص‌های برازش مدل و بارهای عاملی روایی عامل اسناد دینی منفی مورد تأیید است.

تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ دوم

برای بررسی روایی سازهٔ زمانی که یک سازهٔ بزرگ از چند متغیر پنهان تشکیل شده باشد از تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ دوم (Second order confirmatory factor analysis) استفاده می‌شود. به همین منظور برای سنجش

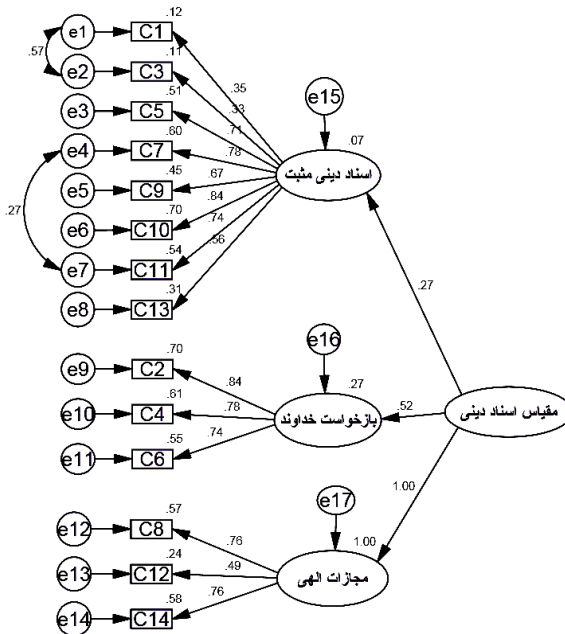
روایی مقیاس اسناد دینی علاوه بر رابطه متغیرهای مشاهده‌پذیر با متغیرهای پنهان، رابطه متغیرهای پنهان با سازه اصلی نیز بررسی شد. شاخص‌های برازش مدل تدوین‌شده مقیاس اسناد دینی در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل عامل اسناد دینی منفی

شاخص‌ها	Df	CMIN	CMIN/DF	RMSEA	CFI	NFI	RFI	PNFI
مدل	۶۵	۲۶۳/۱۵۵	۴/۰۴۹	۰/۰۷۵	۰/۹۳۷	۰/۹۱۹	۰/۹۸۷	۰/۶۵۶

بر اساس شاخص‌های برازش مدل جدول (۳)، شاخص برازش مطلق کای اسکور بر روی درجه آزادی (CMIN/D)، برابر با (۴/۰۴۹)، شاخص برازش مقتصد ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، برابر با (۰/۰۷۵)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، برابر با (۰/۹۳۷)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، برابر با (۰/۹۱۹) شاخص برازش نسبی (RFI)، برابر با (۰/۹۸۷)، شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)، برابر با (۰/۶۵۶) به دست آمد که همه حاکی از مطلوبیت شاخص‌های برازش مدل است. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مقیاس اسناد دینی همراه با گویه‌ها و ضرایب استاندارد در الگوی (۳) قابل مشاهده است.

شکل ۳: مقیاس اسناد دینی همراه با عامل‌های پنهان و متغیرهای آشکار



در شکل (۳) تحلیل عاملی مرتبه دوم مقیاس اسناد دینی همراه با وزن‌های رگرسیون استاندارد شده و متغیرهای پنهان و مشاهده‌شده و مجذور ضرایب همبستگی قابل مشاهده است. عامل اسناد دینی دارای چهارده گویه، شامل متغیر پنهان اسناد دینی مثبت با هشت گویه، بازخواست خداوند و مجازات الهی هر کدام با سه گویه می‌باشد. با توجه

به معنادر بودن بار عاملی‌های هر چهارده گویه و مطلوبیت شاخص‌های برازش مطلق، برازش تطبیقی و برازش مقتصد مدل از برازش مناسبی برخوردار است و روایی مقیاس اسناد دینی مورد تأیید است. در جدول (۴) هر کدام از عامل‌ها همراه با گویه‌ها و بارهای عاملی آن گزارش شده است.

جدول ۴: گویه‌های مقیاس اسناد دینی همراه با بار عاملی

بارهای عاملی	گویه‌ها	بارهای عاملی	گویه‌ها	
	هر آنچه اکنون در زندگی من رخ داده، از سوی خداوند است.	۱	اسناد دینی مثبت	
۰/۳۵	شرایطی که در آن قرار دارم، مسیری است که خداوند برایم معین کرده است.	۳		
۰/۳۳	خداوند برای تمام مشکلات و سختی‌هایم راه‌حلی فراهم می‌کند.	۵		
۰/۷۱	خداوند همه را دوست دارد.	۷		
۰/۷۸	خداوند همه را می‌بخشد.	۹		
۰/۶۷	موفقیت‌های فعلی زندگی‌م را مدیون خداوند هستیم.	۱۰		
۰/۸۴	خداوند مهربان است.	۱۱		
۰/۷۴	اهداف خداوند از همهٔ رویدادها و تجارب زندگی، روشن می‌گردد.	۱۳		
۰/۵۶	معمولاً متعجبم چرا خداوند مرا در این وضعیت قرار داده است.	۲		تأیید کننده
۰/۸۴	اغلب از خودم می‌پرسم چرا خداوند زندگی‌م را با این شرایط قرار داده است.	۴		
۰/۷۸	وضعیت مالی و رفتاریم باعث می‌شود احساس کنم خداوند مرا رها کرده است.	۶		
۰/۷۴	وضعیت کنونی‌ام، نتیجه گناهان و خطاهایم در زندگی است.	۸	تأیید کننده	
۰/۷۶	مشکلاتی که اکنون گرفتار آن هستیم، زنگ خطری (هشدار) از سوی خداوند است.	۱۲		
۰/۴۹	وضعیتی که در آن قرار دارم، مجازاتی از سوی خداوند برای اشتباهاتم است.	۱۴		

بر اساس جدول (۴) عامل اسناد دینی مثبت هشت گویه، عامل بازخواست خداوند سه گویه و عامل مجازات الهی سه گویه دارد که عامل بازخواست خداوند و مجازات الهی روی هم عامل اسناد دینی منفی را تشکیل می‌دهند.

تحلیل عاملی اکتشافی

علاوه بر تحلیل عاملی تأییدی مرتبهٔ اول و دوم برای تبیین واریانس مجموعه متغیرهای تحقیق، از روش تحلیل عاملی اکتشافی به شیوهٔ تحلیل مؤلفه‌های اصلی نیز استفاده شد. آزمون کفایت نمونه‌گیری کیسر - مایر - اولکین (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy) برابر (۰/۸۴۰)، گویای حجم نمونهٔ کافی و آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's Test) با درجهٔ آزادی (۹۱) و مجذور کای (۳۲۲/۳۳) در سطح (۰/۰۰۰) مناسب برای تحلیل است. ارزش‌های ویژهٔ اولیه، مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده‌نشده و چرخش داده‌شده در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول ۵: توصیف واریانس عامل‌های مقیاس اسناد دینی

مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده‌شده			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده‌نشده			ارزش‌های ویژه اولیه			عامل‌ها
درصد	درصد	واریانس کل	درصد	درصد	واریانس کل	درصد	درصد	واریانس کل	
تجمعی	واریانس		تجمعی	واریانس		تجمعی	واریانس		
۲۵/۰۷۴	۲۵/۰۷۴	۳/۵۱۰	۳۲/۲۳۲	۳۲/۲۳۲	۴/۵۱۲	۳۲/۲۳۲	۳۲/۲۳۲	۴/۵۱۲	۱
۴۵/۴۹۹	۲۰/۴۲۵	۲/۸۵۹	۵۲/۰۲۳	۱۹/۷۹۱	۲/۷۷۱	۵۲/۰۲۳	۱۹/۷۹۱	۲/۷۷۱	۲
۶۰/۹۷۰	۱۵/۴۷۱	۲/۱۶۶	۶۰/۹۷۰	۸/۹۴۶	۱/۲۵۲	۶۰/۹۷۰	۸/۹۴۶	۱/۲۵۲	۳

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد، واریانس عامل اول (۲۵/۰۷۴)، عامل دوم (۲۰/۴۲۵)، عامل سوم (۱۵/۴۷۱)، درصد از واریانس کل را نشان می‌دهند و سه عامل ذکر شده در مجموع (۶۰/۹۷۰)، درصد واریانس کل مقیاس اسناد دینی را تبیین می‌کند.

بررسی روایی ملاک

برای بررسی روایی ملاک به شیوه همگرا، همراه با مقیاس اسناد دینی گری و همکاران (۲۰۱۶)، پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی افراد کرونایی بین ۲۹۲ آزمودنی اجرا شد. نتایج آمار توصیفی و همبستگی بین دو پرسش‌نامه در جدول (۶) قابل مشاهده است.

جدول ۶: آماره‌های توصیفی مقیاس اسناد دینی با سبک‌های اسنادی افراد کرونایی

پرسش‌نامه	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	همبستگی	سطح معناداری
مقیاس اسناد دینی	۲۹۲	۷۲/۲	۸/۵۵	۴۴	۸۴		
سبک‌های اسنادی افراد کرونایی	۲۹۲	۱۳۰/۵۸	۱۷/۰۷۷	۶۳	۱۸۱	۰/۷۳۴*	۰/۰۱

همان‌طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود مقیاس اسناد دینی ($M=72/2$ و $SD=8/55$) و همبستگی بین دو پرسش‌نامه (۰/۷۳۴) و در سطح (۰/۰۱) معنادار است، این میزان از همبستگی حاکی از تأیید روایی همگرایی مقیاس اسناد دینی است.

آلفای کرونباخ

برای برآورد همسانی درونی و اعتبار مقیاس اسناد دینی از روش دو نیمه کردن آزمون استفاده شد. آزمون به دو نیمه مساوی تقسیم شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ هر کدام از نیمه‌ها، همبستگی، ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن، در جدول (۷) قابل مشاهده است.

جدول ۷: تحلیل داده‌های اعتبار پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی افراد کرونایی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	۷ گویه	۰/۷۳۴
	نیمه دوم	۷ گویه	۰/۷۲۵
همبستگی بین دو فرم			
ضریب اسپیرمن - براون	تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۷۰۷
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۷۰۷
	ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن		۰/۶۹۶

آلفای کرونباخ نیمه اول گویه‌ها با تعداد هفت گویه برابر با (۰/۷۳۴) و آلفای کرونباخ نیمه دوم با هفت گویه برابر با (۰/۷۲۵) و همبستگی بین دو فرم برابر با (*۰/۵۴۷) به دست آمده است. ضریب اسپیرمن - براون برابر با (۰/۷۰۷) و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن جهت بررسی میزان همسانی درونی برابر با (۰/۶۹۶) است. بر اساس این نتایج، همسانی درونی مقیاس اسناد دینی از سطح بالایی برخوردار است.

همچنین از روش ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی اعتبار و همسانی درونی مقیاس اسناد دینی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه سبک‌های اسناد افراد کرونایی (۰/۸۱۴) به دست آمد که حاکی از همسانی درونی خوب مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اسناد دینی مثبت (۰/۸۲۱)، بازخواست خداوند (۰/۸۲۵) و مجازات الهی (۰/۷۰) به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه اسناد دینی گری و همکاران (۲۰۱۶) در فرهنگ ایرانی - اسلامی بود. این پرسش‌نامه به سبب چند ویژگی از جمله طراحی در دهه اخیر، تعداد سؤالات مناسب و کافی، طراحی ابتدایی در جامعه اسلامی اندونزی و اجرای مجدد در ایالات متحده آمریکا و کسب اعتبار و روایی قابل توجه، به عنوان گزینه مناسب برای آماده‌سازی زمینه استفاده از آن در فرهنگ ایرانی - اسلامی انتخاب گردید. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاک و سازه نسخه فارسی پرسش‌نامه اسناد دینی (RAS) نشان داد که روایی لازم برای سنجش اسناد دینی در فرهنگ ایرانی - اسلامی را داراست. اعتبار آزمون و همسانی درونی نیز با روش دو نیمه کردن آزمون، ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن و تعیین ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که نسخه فارسی پرسش‌نامه اسناد دینی گری و همکاران، از اعتبار بالایی برخوردار بوده و ثبات و قابلیت پیش‌بینی آن مورد تأیید است. بنابراین این پرسش‌نامه برای سنجش اسناد دینی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، ابزاری مفید، معنادار و مناسب است. بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم برای این پرسش‌نامه، سه عامل؛ شامل «اسناد دینی مثبت»، «بازخواست خداوند» و «مجازات الهی» را شناسایی کرد که عامل بازخواست خداوند و مجازات الهی با یکدیگر عامل اسناد دینی منفی را تشکیل می‌دهند.

«اسناد دینی مثبت» به عنوان نخستین عامل، هشت گویه از این پرسش‌نامه را به خود اختصاص داد. برخی از افراد عمدتاً تجربیات زندگی خود را به طور مثبت به خدا نسبت می‌دهند. این دسته از افراد، صرف نظر از بافت فرهنگی خود، تمایل دارند نسبت به مشارکت خداوند در زندگی خود مثبت فکر کنند. آنها توسط بازاریابی مثبت اتفاقات ناگوار زندگی، تلاش می‌کنند به این اتفاقات معنا دهند. آرگایل (۱۹۵۹) ادعا دارد سازوکار اصلی پشت سر باورهای دینی، تمایلی کاملاً شناختی به فهمیدن است. علاوه بر این، کلارک (۱۹۵۸) بر این باور است که دین، بیشتر از هر عملکرد انسانی دیگر، نیاز به معنی را در زندگی فراهم می‌آورد. از این رو در راستای تلاش برای دستیابی به شناخت و دانش، فرایند اسناد نخستین گام در معناداری به امور است (اسپیلکا و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۲۱-۲۳). در این پژوهش نیز افراد

با نگرش مثبتی که به خداوند متعال دارند و همواره او را مهربان، بخشنده، یاریگر، پاسخگو و کنترل‌گر می‌دانند، توانسته‌اند به رویدادهای زندگی خود معنا داده و در کنار پرودگار احساس امنیت و آرامش کنند. در فرهنگ اسلامی نیز چنین افرادی خداوند را در رنج و گرفتاری خویش سهیم می‌دانند (بقره: ۱۵۶)، اما نه از این جهت که خداوند عامل آن است؛ بلکه از این جهت که خداوند به‌طور کامل از این رویداد آگاهی داشته و برای آن هدف و حکمتی در نظر گرفته است. به‌عنوان نمونه در قرآن کریم، حضرت هود^ع موفقیت‌های خود (هود: ۸۸)، حضرت ابراهیم^ع بهبودی از بیماری (شعراء: ۸۰)، حضرت یوسف^ع ملک و علم خود (یوسف: ۱۰۱)، حضرت موسی^ع رسالت و حکمت (شعراء: ۲۱) و به‌طور کلی اشخاص صالح هر نوع نیکی که به آنها رسد (نساء: ۷۸) را به خداوند متعال اسناد می‌دهند. چنین افرادی حتی وقتی گرفتار رنج و سختی می‌شوند به‌عنوان یک واکنش هیجانی - رفتاری دست به دعا برداشته و از خداوند متعال درخواست رهایی از آن موقعیت را دارند (یونس: ۲۲؛ زمر: ۸ و ۴۹؛ روم: ۳۳).

«بازخواست خداوند» با سه گویه نیز، دومین عامل این پرسش‌نامه است که ذیل بعد اسناد دینی منفی جای گرفته است. این دسته از افراد با محاسبات غلطی که از نقش و جایگاه خداوند در زندگی خود دارند، اغلب خود را از خداوند طلبکار دانسته و در شگفتند از اینکه چرا خداوند آنها را در وضعیت ناخوشایند و نابسامانی قرار داده است. آنها عمدتاً خداوند را مسبب و عامل اصلی شرایط بد زندگی خود دانسته و هرگونه گرفتاری و بدبختی در زندگی‌شان را نشانه‌ای از رهاشدگی و طردشدگی توسط خداوند قلمداد می‌کنند. براساس فرهنگ اسلامی نیز، این دسته از افراد، اموری ناخوشایند مثل ابتلا به گرفتاری‌ها (فجر: ۱۶)، فحشا (اعراف: ۲۸) و شرک (نحل: ۳۵؛ زخرف: ۲۰؛ حجر: ۳۹) را که همه آنها به خودشان ارتباط دارد، به خداوند نسبت داده و او را عامل ناخوشی‌های خود قلمداد می‌کنند. وقتی خداوند واکنش‌های هیجانی - رفتاری این افراد را در برخورد با نامالیمات بیان می‌کند، به این نکته اشاره می‌کند که برخی از آنها هنگام مواجهه با رنج و سختی ناامید می‌شوند (روم: ۳۶؛ فصلت: ۴۹). همچنین این دسته از افراد، وقتی رحمت (فصلت: ۵۰)، نیکی (اعراف: ۱۳۱)، پیروزی (عنکبوت: ۱۰)، ملک و ثروت (زخرف: ۵۱)، نعمت (زمر: ۴۹) و علمی (قصص: ۷۸) به آنها می‌رسد، همه آنها را بدون توجه به خداوند به خود و توانایی‌هایشان اسناد می‌دهند. در نتیجه گروهی از آنها دچار تکبر می‌شوند و از خداوند دوری می‌کنند و دچار شرک می‌شوند (فصلت: ۵۱؛ روم: ۳۳)، و گروهی دیگر از آنها، به تعبیر قرآن کریم (روم: ۳۶؛ یونس: ۲۲؛ شوری: ۴۸) دچار «فرح» می‌شوند. طبرسی (۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۵۵) معتقد است که مراد از شادی در اینجا غرور و نوعی فساد و انکار است؛ زیرا در این آیه به نوعی مذمت انسان شده است. علامه طباطبائی نیز بر این باور است که تعبیر «فرح» در برابر «رحمت» کنایه از اشتغال به نعمت و فراموش کردن منعم یعنی خداوند است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۶۸).

سومین عامل نیز تحت عنوان «مجازات الهی»، سه گویه را به خود اختصاص داده است که این نیز ذیل بعد اسناد دینی منفی جای گرفته است. هنگامی که انسان در زندگی دچار رنج و سختی می‌شود، پاسخ طبیعی او این است که در طلب اسناددهی باشد (وانگ و واینر، ۱۹۸۱، ص ۶۵۱) و همواره درصدد آن است که منبع رنج و عوامل

بنیادین آن را تعیین کنند. بر این اساس، گاهی فرد مسئول و عامل اصلی این رنج‌ها را خدا دانسته و تمام آنها را به خدا اسناد می‌دهد. به باور آنها رنج‌ها را یا خداوند ایجاد کرده است و یا اینکه اوست که اجازه تحقق آنها را داده است. آنها حتی زمانی که فرد دیگری مرتکب رنجی برای انسان شده باشد را هم ممکن است مسئولیت آن رنج را به عهده خداوند قرار دهند (اکسلاین و رز، ۲۰۰۵، ص ۳۱۷). این دسته از افراد با ارزیابی منفی که از نقش خداوند در رویدادهای ناخوشایند زندگی خود دارند، احساس طردشدگی از ناحیه خداوند و سختی‌های زندگی را مجازاتی برای رفتارهای بد گذشته خود یا خشم، غضب و گلایه الهی تلقی می‌کنند. آنها غالباً ناگواری‌های موجود در زندگی‌شان را نتیجه گناهان و خطاهای گذشته خود می‌دانند و عمدتاً گرفتاری‌هایی که در زندگی دارند را زنگ هشدار از جانب خداوند تلقی می‌کنند. براساس فرهنگ دینی، مصیبت‌ها و مشکلات انسان در دنیا یک امر کاملاً طبیعی است. انسان‌ها هر کدام به نحوی درگیر مسائل بزرگ و کوچک هستند که آسایش و آرامش را به نحوی از آنها سلب می‌کند. امام صادق علیه السلام راحتی در دنیا را محال دانسته و خطاب به اصحاب خود فرمودند:

چیزهای محال را آرزو نکنید. اصحاب با تعجب پرسیدند: چه کسی محال را آرزو می‌کند؟ حضرت با صراحت فرمودند: شما، آیا آرزوی آسودگی [مطلق] در دنیا ندارید؟ اصحاب گفتند: آری. آن‌گاه حضرت فرمودند: آسودگی [مطلق] در دنیا برای مؤمن، محال است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۹۵).

اما باید توجه داشت که براساس آموزه‌های دینی منشأ مشکلات انسان در دنیا مختلف است و مطابق با فرهنگ دینی، گرفتاری‌های مختلفی که در دنیا به سراغ انسان‌ها می‌آید، تحت تأثیر عواملی همچون آزمایش و امتحان الهی (بقره: ۱۵۵؛ انسان: ۲)، کفاره و تطهیر گناهان (نساء: ۱۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۹۲، ج ۶ ص ۱۵۷)، تکامل و شکوفایی استعدادها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳)، اصلاح و تقویت ایمان (بقره: ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۸۴)، ترفیع درجه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸ ص ۹۴؛ ج ۷۸، ص ۱۹۸) و برخی از آنها نیز ثمره بی‌تدبیری و سهل‌انگاری‌های انسان در زندگی (شوری: ۳۰؛ یونس: ۴۴) است. بنابراین براساس فرهنگ اسلامی این‌گونه نیست که تمام گرفتاری‌هایی که در زندگی برای انسان پیش می‌آید قابل اسناد به خداوند و بر مبنای مجازات الهی باشد.

بر این اساس، آلفای کرونباخ در بعد اسناد دینی برابر با ۰/۸۴ بود، درحالی‌که برای خرده مقیاس‌های آن شامل کنترل خداوند ۰/۷۲، پاسخگویی خداوند ۰/۷۹ و دیدگاه مثبت به خداوند ۰/۸۱ بود. همچنین آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های بازخواست خداوند ۰/۷۱ و مجازات الهی ۰/۷۰ بود (گری و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۶). علاوه بر این، مقیاس اسناد دینی (RAS) با هدف نشان دادن روایی، با نمونه‌ای از افراد ایالات متحده انجام شد. سازگاری درونی با استفاده از آلفاخ کرونباخ برای اسناد دینی مثبت ۰/۹۳، برای بازخواست خداوند ۰/۷۱ و برای مجازات الهی ۰/۸۲ به‌دست آمد (گری و دیگران، ۲۰۱۸، ص ۲).

نتایج مطالعه حاضر مبنی بر وجود دو نوع سبک اسنادی مثبت و منفی نسبت به خداوند، با نتایج مطالعات گری و همکاران (۲۰۱۶)، گری و همکاران (۲۰۱۸)، کاراکایا (۲۰۰۸)، بیات و همکاران (۱۴۰۱) و بیات و شجاعی (۱۴۰۲) همسو است. لازم به ذکر است گری و همکاران (۲۰۱۶)، ضریب پایایی بازآزمایی را برای عامل اسناد دینی مثبت

۰/۸۴، بازخواست خداوند ۰/۷۱ و مجازات الهی ۰/۷۰ به دست آوردند و همچنین گری و همکاران (۲۰۱۸) نیز ضریب پایایی بازآزمایی را برای عامل اسناد دینی مثبت ۰/۹۳، بازخواست خداوند ۰/۷۱ و مجازات الهی ۰/۸۲ به دست آوردند که این نشان می‌دهد نتایج هر دو مطالعه با یافته‌های مطالعه حاضر برای عامل اسناد دینی مثبت (۰/۸۲۱)، بازخواست خداوند (۰/۸۲۵) و مجازات الهی (۰/۷۰) همخوانی دارد. از این رو تشابه ضریب پایایی گزارش شده در پژوهش گری و همکاران در میان دانشجویان مسلمان اندونزیایی (۲۰۱۶)، دانشجویان مسیحی ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۸) و پژوهش حاضر، بیانگر آن است که مقیاس اسناد دینی گری و همکاران (RAS) چندان دچار تغییر نشده و در طول زمان از ثبات کافی برخوردار بوده و در موقعیت‌های گوناگون زمانی و فرهنگی به نتایج تقریباً مشابهی منجر می‌شود. بنابراین شباهت ضرایب گزارش شده در این پژوهش با ضرایب مؤلفین پرسش‌نامه در فرهنگ اصلی، نشانگر سادگی و روان بودن گویه‌های آزمون در زبان انگلیسی و نیز در زبان فارسی است که تطبیق نسخه اصلی با فرهنگ ایرانی - اسلامی به صورت دقیق انجام گرفته است. بنابراین ابزار حاصل در این پژوهش می‌تواند در پژوهش‌های مربوط به سنجش سبک اسناد دینی در ایران کاربرد داشته باشد.

از جمله محدودیت‌های اساسی پژوهش حاضر، جامعه و نمونه پژوهشی بود که از افراد مبتلا به بیماری کووید - ۱۹ بودند. از این رو به پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه پیشنهاد می‌شود:

۱. در این زمینه از نمونه‌های آماری گوناگونی استفاده نمایند تا قشرهای مختلف یک جامعه بررسی شود و نتایج این‌گونه پژوهش‌ها جامعیت بیشتری پیدا کند؛

۲. این پرسش‌نامه را در سایر استان‌ها و شهرهای بزرگ کشور نیز به منظور دستیابی به روایی و پایایی آن مورد استفاده قرار دهند تا از لحاظ ملی نیز هنجاریابی آن توسعه یابد؛

۳. در حوزه روان‌شناسی اسلامی نیز براساس منابع دینی، پرسش‌نامه اسناد دینی را طراحی کرده و به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن و همچنین مطالعه تطبیقی آن با پرسش‌نامه‌های موجود در این زمینه از جمله مقیاس اسناد دینی گری و همکاران (۲۰۱۶ و ۲۰۱۸) نیز پردازند.

- اسپیکلا، برنارد و دیگران (۲۰۰۳). *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- بیات، علی و دیگران (۱۴۰۰). تدوین الگوی سبک‌های اسناد بیماران مبتلا به کووید - ۱۹: تحلیل مضمون. *کنفرانس بین‌المللی رهیافت معنویت خداسو در مواجهه با کرونا*.
- _____ (۱۴۰۱). ساخت و اعتبارسنجی پرسش‌نامه سبک‌های اسناد بیماران مبتلا به کووید - ۱۹. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۶(۲)، ۲۴۹-۲۲۵.
- بیات، علی و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۲). مفهوم‌پردازی سبک‌های اسناد رویدادهای خوشایند و ناخوشایند در قرآن. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۷(۲)، ۱۶۰-۱۸۴.
- تیبک، محمدتقی (۱۳۹۸). *تلوین الگوی کشمکش‌های روانی - معنوی در جامعه ایران: روش آمیخته*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. سرمد، زهره و دیگران (۱۳۹۵). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۴ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجواد بلاغی. تهران: ناصر خسرو.
- عبدلی، هادی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). *انواع سبک‌های اسنادی و نقش آن در رفتار از نگاه قرآن کریم*. کنگره بین‌المللی علوم انسانی. تهران: مطالعات فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Bayley, J., & Hayes, J. A. (1998). Religious attributions of responsibility: A review of empirical literature and development of an instrument. *Counseling and Values*, 43(1), 49-62.
- Bulman, R. J., & Wortman, C. B. (1977). Attributions of blame and coping in the "real world": Severe accident victims react to their lot. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35(5), 351-363.
- Exline, J. J., & Rose, E. (2005). Religious and spiritual struggles. In R. Paloutzian & C. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 295-314). New York: Guilford Press.
- Exline, J. J., Park, C. L., Smyth, J. M., & Carey, M. P. (2011). Anger toward God: Social-cognitive predictors, prevalence, and links with adjustment to bereavement and cancer. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 129-148.
- Gall, T. L., & Bilodeau, C. (2017). "Why me?" - women's use of spiritual causal attributions in making sense of breast cancer. *Psychology & health*, 32(6), 709-727.
- Garey, E., Chesser, S., Hood, R. W., & Forbes, S. A. (2018). The Religious Attribution Scale: Further validation with an American sample. *Mental Health, Religion & Culture*, 21(9-10), 926-933.
- Garey, E., Siregar, J. R., Hood, R. W., Jr., Agustiani, H., & Setiono, K. (2016). Development and validation of Religious Attribution Scale: In association with religiosity and meaning in life among economically disadvantaged adolescents in Indonesia. *Mental Health, Religion & Culture*, 19(8), 818- 832.
- Gorsuch, R. L. (1988). Psychology of religion. *Annual Review of Psychology*, 39, 201-221.
- Gorsuch, R. L., & Smith, C. S. (1983). Attributions of responsibility to God: An interaction of religious beliefs and outcomes. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 340-352.
- Hood, R. W., Jr., Hill, P. C., & Spilka, B. (2009). *The psychology of religion: An empirical approach (4th ed.)*. New York, London: Guilford Press.
- Hovemyr, M. (1998). Secular and religious attributions of success and failure among Polish students. *Journal of Social Psychology*, 138, 149-163.

- Ironson, G., Stuetzle, R., Ironson, D., Balbin, E., Kremer, H., George, A., Fletcher, M. A. (2011). View of God as benevolent and forgiving or punishing and judgmental predicts HIV disease progression. *Journal of Behavioral Medicine*, 34, 414–425.
- Karakaya, F. (2008). *The possible roles of religious coping in the relationship between religious attribution and well-being (Unpublished master's thesis)*. International Islamic University, Selangoor.
- Knight, N., Sousa, P., Barret, J. L., & Atran, S. (2004). Children's attributions of beliefs to humans and God: Cross-cultural evidence. *Cognitive Science*, 28(1), 117–126.
- Laurin, K., Shariff, A. F., Henrich, J., & Kay, A. C. (2015). Outsourcing punishment to God: Beliefs in divine control reduce earthly punishment. *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*, 279, 3272–3281.
- Lupfer, M. B., Brock, K. F and DePaola, S. J. (1992). The Use of Secular and Religious Attributions to Explain Everyday Behavior. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31 (4), 486-503.
- Lupper, M. B., De Paola, S. J., Brock, K. F., & Clement, L. (1994). Making secular and religious attributions: The availability hypothesis revisited. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 33(2), 162–171.
- Pargament, K. I., Ensing, D. S., Falgout, K., Olsen, H., Reilly, B., Van Haitsma, K., & Warren, R. (1990). God help me: (I): Religious coping efforts as predictors of the outcomes to significant negative life events. *American Journal of Community Psychology*, 18, 793–824.
- Pargament, K. I., Koenig, H. G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2004). Religious coping methods as predictors of psychological, physical and spiritual outcomes among medically ill elderly patients: a two-year longitudinal study. *Journal of health psychology*, 9(6), 713–730.
- Park, C. L., & Cohen, L. (1993). Religious and nonreligious coping with the death of a friend. *Cognitive Therapy and Research*, 17, 561–577
- Schieman, S. (2010). Socioeconomic status and beliefs about God's influence in everyday life. *Sociology of Religion*, 71(1), 25–51.
- Schneider, A., & Smith, H. W. (2011). Religious attributions in cross-cultural comparison. *Current Research in Social Psychology*, 16 (11), 109-125.
- Shortz, J. L., & Worthington, E. L. (1994). Young adults' recall of religiosity, attributions, and coping in parental divorce. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 33, 172–179.
- Smith, B. W., Pargament, K. I., Brant, C., & Oliver, J. M. (2000). Noah revisited: Religious coping by church members and the impact of the 1993 Midwest flood. *Journal of Community Psychology*, 28, 169–186.
- Spilka, B., & Schmidt, G. (1983). General Attribution Theory for the Psychology of Religion: The Influence of Event-Character on Attributions to God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22, 326.
- Spilka, B., Shaver, P. R., & Kirkpatrick, L. A. (1985). A general attribution theory for the psychology of religion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24, 1–2.
- Stroope, S., Draper, S., & Whitehead, A. L. (2013). Images of a loving God and sense of meaning in life. *Social Indicator Research*, 111(1), 25–44.
- Watson, P., Morris, R., & Hood, R. (1990). Attributional Complexity, Religious Orientation, and Indiscriminate Proreligiousness. *Review of Religious Research*, 32(2), 110-121.
- Wong, P. T., & Weiner, B. (1981). When people ask "why" questions, and the heuristics of attributional search. *Journal of Personality and Social Psychology*, 40(4), 650–663.